

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ اگست ۲۰۲۳

## شرکاء و نوکران داخلی امریکا در احیای مجدد طالب!

(۱)

سه شنبه - ۲۴ اسد ۱۴۰۲ - کابل: دقیقاً دوسال قبل از امروز یعنی به تاریخ ۱۵ اگست ۲۰۲۱ مطابق با ۲۴ اسد ۱۴۰۰ هجری شمسی پخش دو خیر هم از طریق رسانه ها و هم مستقیم به وسیله مردم، باشندگان تمام افغانستان به خصوص شهروندان کابل را در بهت و حیرت و ماتم فرو برد. آن دو خیر خیلی مختصر و کوتاه، مگر پر مفهوم و تکاندنده بود. خبر "غنی احمدزی فرار کرد" و "ارگ را به طالب سپردند".

از همان روز تا اینک یعنی در تمام این بازه زمانی ۷۳۰ روز، در کمتر روزی بوده که رسانه ها و نهاد ها و رسانه های مجازی، در تحلیل شان بر امریکا نتاخته باشند، "غنی احمدزی" و باندش را بحق فحش و دشنام نداده باشند و طالب و جد و آبایش را در حد توان از گور نکشیده باشند. مگر با تأسف در تمام این دشنامها زیر نام تحلیل، می توان کمتر نوشته و تحلیلی را یافت که نخست با روند به حاکمیت برگرداندن طالب برخورد دیالکتیکی نموده، سیاست های عملی توأم با تلاش خستگی ناپذیر امپریالیسم امریکا و متحدانش را در احیای مجدد طالب تحلیل نموده باشند و در ثانی در کنار نقش امریکا و شرکای بین المللی اش در انتقال قدرت به طالب، نقش شرکاء، متحدان و همکاران به اصطلاح افغان امپریالیسم امریکا را در این پروسه بررسی نموده باشد.

به دلیل همین کمبود، در یادداشت کنونی تصمیم گرفتم تا بعد از ۷۳۰ روز دشنام به استقامت امپریالیسم امریکا و طالب، توجه مختصری به متحدان، همکاران و نوکران زرین قلاده امپریالیسم امریکا که آن ابر قدرت را در انتقال حاکمیت به طالب یاری رسانده اند، نمایم. باشد این معرفی برای آنهایی که فردا به مبارزه علیه طالب این نوکر گوش به فرمان امپریالیسم امریکا اقدام می نمایند، شناختی از مار های آستین به همراه داشته باشند.

برای روشن شدن این مطلب، بر می گردیم به ختم سال ۲۰۰۰ یعنی زمانی که تا آن لحظه امپریالیسم امریکا بر امارت اسلامی حمله ننموده بود. در آن زمان کلیه مخالفان طالب با تفاوت سطح مبارزه بین آنها شامل چند دسته بود:

۱- آحاد اسلام سیاسی که به نام مقاومت رسمی نیز موسوم بود؛

۲- نیروهای به اصطلاح سکیولار؛

۳- افراد پراکنده در خارج از افغانستان به شمول جواسیس تکنوکرات

۴- توده های میلیونی کشور.

## ۱- در آغاز می بینیم که داعیان اسلام سیاسی در چه وضعیتی قرار داشتند:

\* - تشکل جمعیت اسلامی علی رغم ضرباتی که خورده بودند، باز هم به مثابه یک تشکل واحد تحت زعامت سیاسی برهالدین ربانی و زعامت نظامی احمدشاه مسعود، صاحب اسلحه، آشنا به کشور های خارجی و قسماً برخوردار از حمایت چند کشور از جمله روسیه، هند و ایران و تعدادی از کشور های آسیای میانه؛

\* - حزب اسلامی یا همان باند جنایتکار گلبدین، با وجود تحمل چند انشعاب در شورای مرکزی اش و رفتن تعدادی از نیروهای مسلحش به طرف طالب، با آنها تحت زعامت گلبدین بدون آن که در نبرد های مسلحانه مستقیماً با طالب درگیر باشد صاحب سلاح زیاد و اعتبار فوق العاده نزد "آی. اس. آی."؛

\* - حزب وحدت اسلامی که فکر می شد بعد از کشته شدن اقتضاح آمیز رهبرش "عبدالعلی مزاری" پراکنده خواهد شد، علی رغم آن که با جدائی "اکبری" از آن حزب، انشعابی بر آن تحمیل گردید، با آنها تحت فشار و برخورد های قاطعانه "سپاه پاسداران ایران" از پراکندگی بیشتر آن جلوگیری به عمل آمده، صاحب مقداری سلاح و مهمات و پشتیبان بین المللی در وجود روسیه و ایران بود؛

\* - نهاد های دیگری از همین قماش که از دوران گویا "جهاد علیه روسها" باقی مانده بودند، چون "محاذ ملی گیلانی"، "جبهه نجات مجددی"، "بقایای از "حرکت انقلاب اسلامی - مولوی نبی" و "حزب اسلامی - مولوی خالص" عمدتاً از صفوف شان که به طرف طالب رفته بودند، جدا شده اکثراً در خارج از کشور به سر می بردند؛

\* - اتحاد اسلامی "سیاف"، هر چند توانائی های نظامی آن در سراسر افغانستان سخت ضربه خورده بود و می شود گفت از لحاظ نظامی حضور چندانی نداشتند، مگر از لحاظ اقتصادی و اعتبار سیاسی نزد چند کشور عربی، شخص "سیاف" تا آن زمان از اعتباری برخوردار بود.

## ۲- نیروهای به اصطلاح سکیولار، این نیروها در کل شامل چند قسمت می شدند:

\* - فاشیست های پشتون که به دور افغان ملت جمع شده بودند و در آن مقطع نه تنها حضور و وجود نظامی مستقل نداشتند بلکه به مانند امروز تمام امید شان به ادامه سیاست های ضد ملی طالبان بود؛

\* - بقایای احزاب و طنفروش خلق و پرچم چه به صورت نهاد هائی چند و چه هم به صورت افراد پراکنده، به مانند یک ویروسی که در تمام باتلاق پخش می باشد، در محیط باتلاقی سیاسی آن زمان در همه جای به حضور خاینانه نظامی و سیاسی شان ادامه می دادند، پول وافر داشتند مگر اعتباری نداشتند؛

\* - تشکلات ملیشئی که ریشه در بقایای خلق و پرچم و تعدادی از اسلام سیاسی داشتند، مگر مستقل از دامان آلوده مادران سیاسی شان، متشکل شده و به همان کارمادران سیاسی شان یعنی خودفروشی و مردم فروشی ادامه دادند، هر چند صاحب مقداری پول و سلاح بودند مگر در هیچ کجا نه در داخل و نه هم در خارج قابل اعتماد شناخته نمی شدند؛

\* - سکتاریست های که در ولایات شمال افغانستان از زیر تیغ و کشتار "احمدشاه مسعود" زنده مانده بودند، خلاف این که هیچ نوع توانائی نظامی نداشتند، از لحاظ سیاسی ظرفیت بیسج هزاران نفر را داشتند؛

\* - نهاد های پراکنده و ضربت خورده ای که از "جنبش دموکراتیک نوین" برخاسته بودند از جمله "ساما"، "سازمان رهائی"، "سازمان پیکار" و بقیه آحاد پراکنده آن جنبش، در کل فاقد توان نظامی و عمدتاً مصروف به تخریب همدیگر زیر عنوان مبارزه ایدئولوژیک بودند. / ادامه دارد

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!  
مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل  
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد  
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!